

انقلاب در نظام مالی با قرآن

نظام بانکی فعلی و سازوکار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در حقیقت تحقق یکی از بزرگ‌ترین شعارهای استثماری یهود است:

مایر روچیلد (بانکدار یهودی): «اجازه دهید پول یک کشور را کنترل و توزیع کنم و دیگر فرقی نمی‌کند چه کسی قوانین آن کشور را وضع می‌کند»

وضعیت بانکداری در جمهوری اسلامی ایران به قدری مفتضح شده که در شرایطی که جوانان برای مسکن و تشکیل زندگی خود هیچ امیدی به وام‌های کمرشکن بانک ندارند یک کارمند دون پایه بانک به یک واردکننده خرده‌پا پیشنهاد می‌دهد که خرید و واردات و سود از شما و بیرون کشیدن موقتی پول از سیستم بانکی به صورت دوره‌ای از ما! شما خود قضاوت کنید!!



این روزها از سوی طرفداران نظام بانکی فعلی در خصوص پاکی بانکداری کشور اسلامی ایران چه غلوها که نمی‌شود و شاید برایتان عجیب باشد اگر گفته شود نظام بانکداری فعلی یعنی سیستم برده‌داری مدرن! اگر ثروت حقیقی قابل تخصیص به انسان‌ها را در قالب سه رکن سلامت، لذت و ملزومات زندگی تعریف و تحدید کنیم، ملزومات زندگی جزو مهم‌ترین ارکان آن است.

ملزومات زندگی عبارت‌اند از: خوراک، پوشاک، مسکن، نکاح، آموزش

حال، اگر طبقه ضعیف جامعه فعلی که شمار بسیار زیادی از آن را شامل می‌شوند بخواهند این ملزومات را برای خود تهیه کنند به دلیل ضعف مالی، چاره‌ای ندارند جز اینکه ساعات عمر خود را در ساختار اقتصاد فعلی و در قالب ساعت کار، بفروشند و چون هزینه تأمین بسیاری از این ملزومات با حقوق ماهیانه قابل تأمین نیست باید به نظام بانکداری فعلی پناه ببرند و وام بگیرند. بانک‌ها چه می‌کنند؟ بانک‌ها نیز مبلغ موردنیاز را از طریق بهره دادن پول مربوط به ارزش وثیقه‌ای که اعتماد کننده خود افراد، ترهین کرده است! مبالغ موردنیاز ضعفای جامعه را تأمین می‌کنند و از کنار نیاز به ملزومات قشر ضعیف جامعه، سودهای کلانی علاوه بر اصل مبلغ وام، به جیب می‌زنند. آیا این برده‌داری مدرن نیست؟!

مطالب زیر عیناً از پروتکل‌های شیطانی صهیونیسم اخذ شده است:

ما غیر یهودی‌ها را استثمار می‌کنیم.

همزمان با اقداماتی که در مورد زمین‌داری در بالا ذکر کردیم، صنعت را نیز به انحصار خود درمی‌آوریم. البته در مراحل نخست صنعت را در یک حالت تعادلی قرار می‌دهیم و از انحصار شدید در مراحل اولیه خودداری می‌کنیم. غرض ما از حالت تعادل اولیه آن است که صنعت و سرمایه در بخش خصوصی متمرکز گردند و بانک‌های خصوصی به وجود آیند. زمین‌ها از گرو طلبکاران بیرون آمده و به گرو بانک‌ها درآیند. آنچه ما می‌خواهیم این است که هم ماحصل کار کارگر و هم بازده زمین هردو به چنگال صنعت بیفتند و بدین‌سان تمام پول‌های جهان نزد ما ذخیره شود و غیریهودیها، طبقه کارگر و زحمتکش جامعه را تشکیل دهند و بدون قید و شرط تسلیم ما شوند. در چنین شرایطی اگر به خاطر منافع دیگری تسلیم ما نشوند، لاقلاً به خاطر آنکه درآمدی داشته باشند و بتوانند زنده بمانند، تسلیم ما خواهند شد.



جالب‌تر اینکه شخصی با ردا و عبا، از این ساختار حمایت می‌کند و می‌گوید این اصلاً سود و ربا نیست بلکه تأثیر تورم است! در پاسخ باید گفت اولاً، مگر بانک با غیر از عدد و رقم سروکار دارد که تورم برایش معضلی باشد! بانک‌ها که خود با بازی با اعداد و ارقام، پول‌سازی می‌کنند مشکل مالی ندارند که تورم، درآمد و هزینه آن‌ها را دستخوش چالش کند؟! ثانیاً ذات تورم، زائیده ربای ردی (ربا: ر ب ا: ردی، بخشی، ارضی) در سطح کلان است که عبارت است از نظام نا ثابت و نوسانی ارزش ملزومات زندگی و اجازه می‌دهد برخی افراد، افزون و زیادی ناحقی را در اثر این تغییرات ارزش‌ها به دست بیاورند.

پول چیزی جز عدد، اعتبار و واحد مقایسه نیست. پول، قابلیت‌هایی مانند ذخیره قدرت اقتصادی، ارزش‌گذاری اموال و خدمات و سنجش ارزش نسبی آن‌ها با یکدیگر و ابزار کنترل فعالیت‌های اقتصادی و همچنین وسیله تخصیص عادلانه امکانات و ثروت‌های خدادادی کشور را دارا است.

بنابراین ذات حقیقی پول، از جنس معناست و بن‌مایه‌ای معنایی دارد آن‌هم معنایی که بدون محدودیت قابل تولید است فلذا به بردگی گرفتن ساعات عمر افراد جامعه در جهت نیل به مقداری عدد! کار بسیار سفیهانه ای است.

ویرین پول، بازی با اعداد است و عدد، متصل به ریاضیات است و امروزه می‌بینیم که در قالب محاسبات پیچیده ریاضی، دانش اقتصاد را دانشی پیچیده و سخت نشان می‌دهند و عوام را سرکار گذاشته‌اند.

اعتبار پول، در حقیقت، همان پشتوانه پول است. اعتبار پول می‌تواند از جنس فیزیکی (مانند طلا) و یا از جنس معنایی (مانند پذیرش توسط افراد جامعه) و یا ترکیبی از هر دو این‌ها باشد.

پشتوانه فیزیکی پول، رابطه مهمی با مبحث مالکیت در اقتصاد اسلامی دارد.

پشتوانه فیزیکی پول، دو نوع است: پشتوانه عمومی، پشتوانه خاص



پشتوانه فیزیکی عمومی پول عبارت است از قرار دادن تمام منابع و مواهب یک کشور به عنوان پشتوانه فیزیکی پول در جهت تخصیص عادلانه آن‌ها در جامعه مبتنی بر اصل مالکیت عمومی تمام مردم بر تمام ثروت یک کشور و استفاده از پول به عنوان موتور محرک عمران و آبادانی و بسط عدالت در جامعه.

پشتوانه فیزیکی خاص پول، عبارت است از قرار دادن یک شیء فیزیکی خاص مانند طلا به عنوان پشتوانه فیزیکی پول یک کشور

شیوه پشتوانه سازی فیزیکی خاص پول مانند طلا با تخصیص عادلانه در تعارض است.

بنابراین اگر منصفانه به باطن اقسام فوق بنگریم خواهیم دید که پشتوانه سازی خاص پول، نتیجه‌ای جز محدودیت و کمیابی پول نخواهد داشت و تنها در خدمت مال‌اندوزان و سرمایه‌داران قرار خواهد گرفت و این مسئله تأویل آیه ذیل است:

(یوسف ۲۰).

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ

و او را به بهای ناچیزی چند درهم فروختند و در آن بی‌رغبت بودند

در آیه فوق، ظاهراً تنها به وقایعی که حضرت یوسف به آن‌ها مبتلا شدند اشاره دارد اما حقایق مستور در این کلمات فراتر از اینست.

نکاتی که در بطن کلمات این آیه نهفته است راهگشای مشکلات نظام مالی و پولی فعلی جوامع اسلامی است. در این آیه خریداری نیروی انسانی فعال و مستعد با مقادیر اندکی از درهم به عنوان واحد پولی رایج آن زمان، به عنوان مصداق ثمن بخرس، معرفی شده است. بر این اساس، نکات ذیل، قابل استنباط است.

۱- در نظام مالی و ارزش‌گذاری غلط، نیروی انسانی، ارزش حقیقی خود را ندارد و درحالی که انسان شریف‌ترین موجود خاکی روی زمین است، به بهایی ناچیز و غیرمنصفانه، استثمار می‌شود



- ۲- دراهم معدوده نیز، به عنوان مصداق ثمن بخر، معرفی شده است. دراهم معدوده، یعنی پول مبتنی بر پشتوانه مال با ارزش و کمیاب که در قالب ساختار عددی و حسابداری قابل تولید است (معدوده)
- ۳- قسمت آخر آیه (و کانوا فیه من الزاهدین)، اشاره به وجود نظام ارزش گذاری بی ثبات و ناعادلانه دارد و این در حالی است که خداوند در قرآن ما را دعوت می کند که وزن و نظام ارزش گذاری را بر اساس قسط (ق س ط: قوام، ساعت، طبیعت) ساماندهی نمائیم (و اقیموا الوزن بالقسط).

اگر در دانش اقتصاد، برای هر خانوار، تنها ارزشی معادل یک دیود در کیت الکترونیکی بسیار ساده قائل شویم آنگاه دید ما به انسان در جامعه و اقتصاد، متحول خواهد شد. در یک کیت الکترونیکی ساده اگر تنها یک قطعه کوچک شرایط انجام وظیفه اش در مدار مربوطه مهیا نباشد سازندگان آن، به هیچ وجه از این مسئله عبور نخواهند کرد.

مسئله استقلال بانک مرکزی هم حقیقت ندارد بلکه استقلال بانک مرکزی در وضعیت فعلی به معنی استقلال از توزیع عادلانه ثروت کشور بین ملت و وابستگی به نظام مالی استکباری جهانی است تا با زد و بندها و نوسانات جهانی هر بلایی که خواستند سر ملت ها بیاورند.

حتی مرغ پخته هم می خندد وقتی توجیه شود که علم اقتصاد تأکید می کند که بانک مرکزی باید از حکومت اسلامی یک کشور مجزا باشد و وابسته به نظام مالی دنیایی باشد که هدفی جز نابودی بنیان های اقتصادی فرهنگ این کشور ندارد

اصلی ترین دلیل قدرت یافتن پول و بانک در جوامع اسلامی، عبارت است از انحراف اقتصادی بزرگ قرآنی! واقعیت این است که بیع، رکن اقتصاد قرآن نیست بلکه معیشت رکن اقتصاد اسلامی قرآنی است و ارشدترین کلمه اقتصادی قرآن که معادل دانش اقتصاد اسلامی است، معاش است و از جمله دلایل اینکه در زمان پیامبر و ائمه این مهم علناً محقق نشد و به دورام امام زمان موقوف گردید نیاز صنعتی و تکنولوژیکی بود زیرا اگر ائمه صنعت را در سطح فعلی توسعه می دادند نظم طبیعی سیر تحول علمی بشر به هم می خورد و اشاره حضرت علی به اینکه در آخر الزمان آهن روی آهن حرکت می کند و یا آهن در هوا می پرد ناظر به اشراف ائمه



به پتانسیل‌های صنعت است. اگر نظام تخصیص عیش عادلانه بین افراد جامعه تدوین شود، پول و بانک، قدرت فعلی خود را از دست خواهند داد و رفاه عمومی در قالب نظام معیشت، جایگزین آن خواهد شد.

امام صادق (ع): **اذا خرج القائم جاء بامر جدید کما دعا رسول الله فی بدء الاسلام الی امر جدید؛** هنگامی که قائم ظهور کرد با امر جدید خواهد آمد، چنانکه رسول خدا در آغاز اسلام مردم را به امر جدید دعوت می‌کرد

چهار نوع دادوستد بین انسان‌ها بر اساس منطق و نیز مبتنی بر کلمات قرآن، قابل‌شناسایی است و لازم است جهت تحقق هدف دانش اقتصاد حقیقی اسلامی، یکی از آن‌ها به‌عنوان رکن اصلی این دانش انتخاب شود.

۱- افراد جامعه در قالب نظام خریدوفروش و مبتنی بر کسب سود بر مبنای واحد مبادله (پول) ملزومات موردنیاز جامعه را تولید و ارائه نمایند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه، بیع است

۲- افراد جامعه، در قالب مشارکت بر اساس سهم بری به میزان تأثیر در طرح اقتصادی، بهره‌مند شوند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه، تجارت است (اسم مصدر از ریشه جار به معنی مجاورت و پناه دادن است و مبتنی بر تقسیمات جاری، خداوند نگاهی اصلاحگرانه به کاربرد کلمه تجارت دارد).

۳- افراد جامعه در راستای کسب رضای خدا و خلق او از طریق انفاق یا قرض به کارگشایی مشکلات دیگر آحاد جامعه بپردازند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه، احسان است.

۴- افراد جامعه، در قالب مشارکت عمومی، عیش به‌عنوان ثروت حقیقی قابل تخصیص به انسان‌ها را تدوین نموده و کمال عیش قابل‌ارائه به آحاد جامعه (مبتنی بر تساوی تخصیص در برخی وجوه و اختلاف در پاره‌ای وجوه دیگر) را در ساختاری عمومی و مبتنی بر شهر نوین اسلامی و با حدود یک‌سوم سال فعالیت انسانی در صنعت، تأمین می‌نمایند. معادل قرآنی قابل تطبیق با این شیوه، معیشت است.



انواع دادوستد اجتماعی		
(اقسام روش‌های رفع نیازهای زندگی بشر در جامعه مدنی)		
هدف	تعریف	نوع
برکت	مشارکت عمومی به منظور تخصیص حق دار و عادلانه عیش (به‌عنوان ثروت حقیقی) به همه آحاد جامعه	معیشت
ربح	بهره‌مندی مبتنی بر سهم بری بر اساس میزان مشارکت	تجارت
خیر	بخشش یا قرض از بضاعت‌های جانی و مالی در راستای کسب رضای خدا و کمک به خلق او	احسان
نفع	کسب سود مبتنی بر فروش (بیع: ب ی ع: بداعی، یدی، عوضی)	بیع

با نگاهی منصفانه به اقسام فوق و مداخله در هدف دانش اقتصاد اسلامی و حق‌مدار (برکت به‌عنوان استقرار مدام خیر و نعمت‌ها) بر ما آشکار می‌گردد که معیشت، شیوه‌ای است که تأمین‌کننده اهداف مدنظر اسلام در بخش سبک زندگی خواهد بود.

بنابراین، پرداختن به پول و بیع و نظام مالی به‌عنوان رکن اقتصاد، تنها در محدوده زمانی گذر از وضع افتضاح فعلی و نیل به سبک زندگی تمدن نوین اسلامی در قالب معاش و شیوه دادوستد معیشت است و در نظام معاش تمدن نوین اسلامی، این نظام مالی تنها در بخش شخصی معاش بکار گرفته خواهد شد که بخشی جنبی است.



قرآن کریم، مهم‌ترین منبع در اختیار ما برای شناخت ارکان لازم به منظور تحقق اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است.

در دو بخش از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است بر لزوم اصلاح نظام مالی و نیز نظام قیمت‌گذاری ملزومات معیشت جامع اسلامی تأکید شده است.

اصل ۹: اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور باهدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

اصل ۲۳: شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار

متأسفانه بلای بزرگی که گریبان‌گیر فضای علمی جوامع اسلامی شده است این است که برای کلمات قرآن، جدای از سابقه و مفهوم ریشه کلمات، در عمل، هیچ‌گونه ارزش علمی و اقتدار درونی قائل نیستیم و استفاده از عبارات قرآنی تنها به‌عنوان تعارف و نشانه‌ای از وابستگی ما به کتاب خدا مرسوم است.

در حالی که کلمات قرآن، علمی‌ترین و مهم‌ترین کلمات در اختیار بشر هستند که بانفوذ صحیح به درون و حقایق مستور در حروف آن‌ها، زندگی بشر دچار تحولات اساسی و عمیق خواهد شد.

قرآن کریم، قرن‌هاست که بشر پرمدها را دعوت می‌کند تا نظام وزن و ارزش‌گذاری را بر اساس قسط تدوین نماید و نیز نظام اجرایی وابسته به آن را در قالب نظام کیل و واحد پولی مکیال، سازمان‌دهی کند.

(الرحمن ۹).

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید



(هود ۸۵).

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَمْشِيَاءَ هُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و ای قوم من پیمانه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید

اما درون این کلمات به ظاهر ساده و پیش پا افتاده قرآن چه حقایقی نهفته است؟

اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم سازی اقتصاد کشور در برابر حمله های دشمنان ایران و اسلام که از طریق سه رکن علم، نظام مالی جهانی و تجارت جهانی، علیه ما صورت می گیرد.

بنابراین دو مؤلفه کلی اقتصاد مقاومتی را می توان استقلال و خودکفایی علمی و نیز اقتدار و اصلاح نظام مالی و ارزش گذاری ملزومات نامید.

با مداقه در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی شاید بتوان گفت اصلاح در نظام مالی و ارزش گذاری ملزومات، قلب این تحول مهم در جامعه اسلامی است؛ زیرا با تحول قرآنی این قسمت، تمام بخش های اقتصاد جامعه دستخوش تغییر و تحول خواهند شد.

نظام معاش اسلامی مبتنی بر هدایت حروف صلوٰه، ۴ مؤلفه عارض بر خود دارد که عبارت اند از:

ص: صنعت: نظام صنعت

ل: لذت: منظومه های اجتماعی لذا ید حق مدار

و: وزن: نظام ارزش گذاری ملزومات و نظام مالی اسلامی

ة: تمدن: ساختار شهر نوین اسلامی



در این میان، نظام بانکداری فعلی بزرگ‌ترین آفت اقتصاد جوامع اسلامی شده است که بدون اصلاح آن بر اساس قرآن «میزان» به‌عنوان نظام ارزش‌گذاری ملزومات بر اساس قسط و همچنین نظام مالی کیل مبتنی بر واحد پولی قرآنی مکیال تحقق اقتصاد مقاومتی و بستر پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی امری دشوار می‌نماید.

نظام قرآنی مالی کیل در حقیقت نظام مالی دولتی اسلامی است.

(الأعراف ۸۵).

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ بَيْنَهُ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را پرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شمارا از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است پس پیمانۀ و ترازو را تمام نهد و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است

قسط، شکل اختصاری سه رکن مشترک در ملزومات معیشت است که با نسبت صحیح و ثابت و بدون نوسان آن‌ها، نظام ارزش‌گذاری ملزومات، تدوین می‌گردد.

قسط: ق س ط: قوام، ساعت، طبیعت

قوام (طرح و حکمت بکار گرفته‌شده)

ساعت (زمان بکار گرفته‌شده اعم از انسانی و صنعتی)

طبیعت (طبیعت بکار گرفته‌شده اعم از مواد اولیه، انرژی و منافع طبیعت مانند گیاهان و جانوران)



هدای قسط		
نظام ارزش‌گذاری ملزومات معیسه بر اساس هدایت مستور در حروف قسط		
ط	س	ق
طبیعت	ساعت	قوام
طبیعت بکار گرفته شده در تولید ملزومات اعم از ماده، نیرو و انرژی و منافع گیاهان و جانداران	زمان استفاده شده در ملزومات اعم از انسانی و غیرانسانی	حکمت و طرح بکار رفته در ملزومات

یکی از فاحش‌ترین موارد افتضاحی که در جامعه اسلامی نهادینه شده است وضعیت نظام بانکداری در حکومت اسلامی است. در شرایطی که لازم است با هدایت قرآن، نظام مالی کیل تحت نظارت حکومت اسلامی مسیر معاش جامعه را در جهت بسط یسر عیش قرار دهد دولت اسلامی، خود نیز اسیر نظام یهود پایه بانکداری فعلی شده است و همچون بینوایان چشم به اخذ مالیات و کسب پول غیر حق‌مدار فعلی دوخته است درحالی که شایسته است حکومت اسلامی نظام مالی کشور را مقتدرانه به دست بگیرد و خود پیشتاز اجرای هدایات قرآن من جمله انفاق و قرض در جهت تحقق رفاه و عدالت اجتماعی و حرکت به سمت تحقق سبک زندگی تمدن نوین اسلامی باشد.

از مهم‌ترین فواید انفاق نظام مالی اسلامی، توسعه مهارت‌ها و فنون و علوم کاربردی است.

این نظام فعلی مالی و بانکداری و ارزش‌گذاری قیمت‌ها، به هیچ‌وجه قرآنی نیست و ریاضیات و محاسبات سردرگم‌کننده لابه‌لای اصول آن‌ها اغوایی و عامل اغفال جوامع اسلامی است.



به بخش‌هایی از پروتکل‌های حکمای یهود برای تسخیر جهان توجه کنید:

فقر اسلحه ماست. زنجیری که انسان‌ها را به دام و تله فقر می‌بندد، به مراتب محکم‌تر از زنجیر بردگی است. به بیان دیگر، از زیر یوغ بردگی می‌توان به خوبی آزاد شد ولی رهایی از زیر یوغ بینوائی و فقر بسیار دشوار است. ما در قانون اساسی خود، حق رفاه مادی توده‌ها را به صورتی خیالی اما نه به گونه‌ای واقعی گنجانیده‌ایم و هرگز هم به این حق جامه عمل نمی‌پوشانیم. اگر قرار شود که هر فرد حق گفتن هر حرفی را داشته باشد، اگر قرار شود که هر روزنامه‌نویسی حق نوشتن هر مطلبی را اعم از خوب و بد پیدا کند، اگر هر کارگر زحمتکش و پرولتری، که دست تقدیر او را به کار وابسته کرده است، از لحاظ اقتصادی خودکفا باشد و نیز اگر بداند که قانون اساسی منافعش را تضمین نمی‌کند، فردا برای انتخاب نمایندگان به پای صندوق رأی نمی‌رود و به نمایندگان که در واقع عوامل دست‌نشانده ما هستند، رأی نمی‌دهد. برای آنکه چنین وضعی پیش نیاید، بسیاری از اصولی که رفاه اقتصادی او را تضمین می‌کنند از متن قانون حذف می‌کنیم و در عوض فقط به او حق اعتصاب اعطاء می‌کنیم تا از این طریق وابستگی‌اش به رفقای هم‌مسلكش و نیز شرایطی که کارفرمایش بر او تحمیل می‌کند، بیشتر شود.

ما از کمونیسم پشتیبانی می‌کنیم

-نابودی اریستوکراسی (اشراف‌سالاری) بنا به راهنمایی ما و به وسیله عواملمان صورت گرفت. ولی با نابودی اریستوکراسی داستان پایان نیافت و این بار پول پرستان به شیوه دیگر دام خود را بر سر راه مردم پهن کردند و همان‌طور که امروز می‌بینیم پول پرستان یوغ استثمار خود را بر گردن کارگران نهاده‌اند و آن‌ها را شدیداً به اسارت گرفته‌اند.

-ما بر روی صحنه نقش حامی کارگر را بازی می‌کنیم و بدین‌سان زیر شعار همکاری، برابری و تحت شعار «اشتراک مساعی جهانی» و نیز مطابق اصول فراماسونری خویش، کارگران را به صف نیروهای جنگجوی خویش یعنی سوسیالیسم، آنارشیسم و کمونیسم می‌کشانیم.

اریستوکراسی از حمایت قانون برخوردار بود و از کار و دسترنج زحمتکشان ارتزاق می‌کرد. به همین لحاظ به خاطر حفظ منافعش، همواره به تغذیه و سلامت کارگران توجه خاص داشت و می‌خواست که کارگر، سالم و نیرومند باشد تا بهتر و بیشتر از او بهره‌کشی کند؛ اما موضع ما درست مخالف این نظریه است. ما به مرگ‌ومیر و کشتار غیر یهودیان فکر می‌کنیم. به عبارت دیگر، قدرت ما، درگرو کاهش مستمر مواد غذایی و ضعف جسمی کارگر می‌باشد. زیرا از این طریق می‌توانیم کارگر را به اسارت خود درآوریم تا او را در اختیار داشته باشیم و نتواند علیه خواسته‌ای ما اقدام بکند.



تسلطی که از طریق ایجاد گرسنگی بر کارگران به دست می‌آید، به مراتب مطمئن‌تر از تسلطی است که اریستوکراسی به مدد قانون و شاه کسب کرده بود.

در میان توده مردم حسد، نفرت و زیاده‌خواهی ایجاد می‌کنیم تا از خشم مردم استفاده کرده و همه موانعی را که بر سر راهمان قرار دارند با دسته‌ای آن‌ها ریشه‌کن سازیم.

غیریهودیان عادت به فکر کردن را از دست داده‌اند مگر آنکه متخصصان ما به آن‌ها آگاهی بدهند. بنابراین آن‌ها قدرت تشخیص و درک برنامه‌هایی که ما برای رسیدن به حکومت جهانی در پیش داریم، ندارند. لذا بر ماست که در مدارس دولتی، اطلاعات و دانش‌های پایه‌ای چون تشریح خصوصیات روحی (روانشناسی) و حیات اجتماعی (جامعه‌شناسی) به آنان بیاموزیم و به مدد این‌گونه اطلاعات به آن‌ها بقبولانیم که افراد از لحاظ قابلیت‌ها و استعدادها یکسان نیستند و از لحاظ سلیقه‌ها و هدف‌های زندگی باهم اختلاف دارند. پذیرفتن اصل اختلافات فردی، تقسیم‌کار را به تناسب استعدادها ایجاد می‌کند و وقتی که انسان‌ها برحسب اصل تقسیم‌کار طبقه‌بندی شدند، خودبه‌خود جامعه طبقاتی به وجود می‌آید و بدین‌سان افراد می‌پذیرند که همه طبقات در برابر قانون یکسان نیستند. پس از اینکه چنین اطلاعاتی به خورد آن‌ها دادیم با رغبت تسلیم ما می‌شوند و هر نوع شغلی را که به آن‌ها دهیم قبول می‌کنند. از سوی دیگر، چنین نظام تربیتی‌ای انسان‌ها را وامی‌دارد که هر نوع نوشته‌ای را و یا هر سخنی را کورکورانه و بدون چون‌وچرا بپذیرند. همچنین به سبب درک ضعیفشان از امور، می‌توان نفرت آن‌ها را در هر شرایطی و هر موقع که لازم باشد برانگیخت.

وجود بحران اقتصادی نفرت غیریهودیان را افزایش می‌دهد و صنعت را دچار رکود می‌سازد. در این هنگام ما می‌توانیم به مدد عملیات مخفیانه و نیز به یاری طلا که قبلاً آن را به دست آورده‌ایم، آتش بحران اقتصادی را شعله‌ورتر سازیم و کارگران را در سراسر اروپا به خیابان‌ها بریزیم. توده مردم به سبب ناآگاهی‌هایشان و نیز به سبب وجود بذر حسدی که ما در همان آغاز کودکی در ذهنشان کاشته‌ایم، آماده می‌گردند که خود کارفرمایان را بریزند و اموال آن‌ها را به غارت ببرند. ما در این میان سالم خواهیم ماند و اموالمان به یغما نخواهد رفت زیرا از زمان شروع حادثه به خوبی آگاهیم و می‌توانیم به موقع برای حفظ خویش تدابیری بیندیشیم.

این افتضاح بزرگی است که در جامعه اسلامی، افراد برای رسیدن به حداقل رفاه باید بر سر کسب پول با یکدیگر محترمانه، نزاع کنند و حتی خود حکومت اسلامی نیز مانند فقرا چشم به اخذ مالیات به‌عنوان درآمد خود نماید و یا اینکه جوانان آبرومند جامعه اسلامی سال‌ها در صف اخذ وام ازدواج و مانند آن (آن‌هم نه به مقدار مکفی) در برابر نظام یهود پایه‌ای مانند بانک، تحقیر شوند.



نظام مالی باید در اختیار مستقیم حکومت اسلامی باشد و خود، اولین عامل به دستورات اسلام اعم از انفاق و قرض باشد. با حذف نوسان و تثبیت ارزش ملزومات بر اساس قسط، تخصیص مکیال به عنوان پول قرآنی نظام مالی (کیل) به نیازمندان نه تنها تورمزا و مشکل آفرین نخواهد بود بلکه تبدیل به موتور محرک جامعه در جهت عمران و آبادانی کشور خواهد بود. در نظام مالی نوین قرآنی، سرمایه داران به عنوان نخبگان اقتصادی و همچنین سرمایه آن‌ها باید صیانت شده و محترم شمرده شوند. نظام مالی و بانکی فعلی، کثیف‌ترین حيله و شعبده اجتماعی است که با وقاحت تمام در کاسه معیشت ما گذاشته‌اند. نظام مالی و پول قرآنی هدفی جز ایجاد شور اجتماعی به منظور تبدیل منابع و استعداد های کشور به ملزومات مورد نیاز رفاهی ندارد. پشتوانه فیزیکی خاص پول مانند ذخایر بانک مرکزی هیچ کاربردی ندارد به غیر از اینکه در کنار نظام مزخرف نوسانی قیمت‌ها، سینه شهروندان را از فرط محرومیت‌ها تنگ کرده است. پشتوانه قرار دادن فلزات گران بها و اسناد معتبر مالی، برای پول ملی تنها در خصوص تجارت جهانی کاربرد دارد.

نظام اجرایی و مالی تحقق نظام وزن و قسط، در قرآن در قالب نظام کیل قابل استنباط است که مبتنی بر پول قرآنی مکیال و بر اساس نظام مالی و پول تمام الکترونیک و متمرکز که نتیجه اعمال یسر با استعانت از دانش روز می باشد کارسازی می گردد.

کیل: ل ی ک: لوازم یسر کسب

این بسیار مهم است که نظام مفاهیم بنیانی علوم ما بر اساس هدایت کتاب خدا تنظیم شوند و مبین اقتدار و استقلال علمی جوامع اسلامی باشند.

مزایای سیستم مالی و پولی تمام الکترونیک متمرکز عبارت‌اند از:



۱. عدم نوسان قیمت و جلوگیری از ربا و تورم
۲. امکان نظارت از طریق نظام متمرکز الکترونیکی در مواردی همچون کنترل عدم خرید ملزوماتی که تاریخ مصرفشان منقضی شده است و همچنین کنترل قراردادهای اقتصادی که نیاز به احراز شرایط لازمه خود را دارند به منظور جلوگیری از جرائم اقتصادی و ایجاد ثبات و آرامش در فضای کسب و کار
۳. کاهش هزینه‌های مربوط به تولید و نگهداری پول کاغذی و فلزی
۴. امکان انجام مبادلات مالی عمومی با کمترین هزینه و کوتاه‌ترین روش
۵. امکان نظارت دقیق تمام مبادلات مالی و افزایش دقت شاخصه‌ای اقتصادی
۶. امکان اجرای یسیر نظام قرض یا انفاق به نیازمندان در خصوص ملزومات زندگی
۷. امکان نظارت در خصوص عدم اسراف در جهت تدوین نظام اعاده و بازیافت مواد

با نهادینه شدن نظام ارزش‌گذاری ملزومات بر اساس هدای قسط و تعیین نرخ برابری مکیال به‌عنوان پول قرآنی اسلامی با ارز سایر کشورها بر اساس ارزش طلا و همچنین تنظیم ارزش صحیح و پایین طلا در نظام قسط محور داخلی، مکیال به‌عنوان پول قرآنی، با ارزش‌ترین واحد پولی جهان خواهد شد. ارزش‌دهی پایین طلا در برابر واحد پول قرآنی کشور اسلامی، موجب می‌شود پول نظام مالی اسلامی با ارزش‌ترین پول جهان شود. بر این اساس، سرمایه‌داران داخلی قدرت فراوانی برای سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی در سایر کشورها خواهند داشت. صادرات مبتنی بر مواد اولیه داخلی برای خریداران خارجی مطلوب نخواهد بود اما در کنار آن سرمایه‌گذاران داخلی به دلیل ارزش بالای مکیال در نظام مالی جهانی می‌توانند مواد اولیه و ملزومات صنعتی لازم برای تولید محصولات را از دیگر کشورها تهیه و با صادرات آن‌ها به توسعه اقتصادی بپردازند و یا در سایر کشورها مستقیماً سرمایه‌گذاری و اقدام به فعالیت اقتصادی نمایند و در عوض، نظام مالی قرآنی، موتور محرک قدرتمند آبادانی داخل کشور و ثبات ارزش ملزومات و توسعه رفاه عمومی در عین تقویت سرمایه‌نخبگان اقتصادی خواهد بود.

التزام پشتوانه خاص فیزیکی مانند طلا برای مکیال به‌عنوان پول قرآنی جامعه اسلامی، در خصوص مبادلات اقتصادی با دیگر کشورها اهمیت دارد. هر واحد پول داخلی که وارد نظام مالی جهانی شود به‌نوعی یک سند بدهی برای کشور در عرصه تبادلات جهانی محسوب می‌شود و اگر این مبلغ صرف کالاها یا خدمات بی‌دوام شوند آنچه بجا می‌ماند بدهی و تعهد کشور به نظام مالی بین‌المللی است که هزینه آن بر دوش تمام ملت خواهد بود.



اما در خصوص تبادلات مالی داخلی این گونه به نظر نمی‌رسد و حکومت اسلامی که صاحب نظام مالی مبتنی بر ثبات ارزش صحیح ملزومات معیشت است به راحتی می‌تواند اسباب یسر عیش آحاد جامعه را فراهم نماید و خود پیشتاز در انفاق و قرض بدون بهره باشد.

نظام مالی قرآنی کیل « که مبتنی بر هدای قسط (ثبات ارزش صحیح ملزومات بر اساس قوام، ساعت و طبیعت) تنظیم می‌شود چند منفعت مهم دارد:

موتور محرک به کارگیری ظرفیت‌های طبیعی و انسانی جامعه در جهت تحقق عدالت حقیقی خواهد بود
باعث قدرتمند شدن سرمایه‌داران در عرصه‌های بین‌المللی خواهد شد

از جمله مهم‌ترین ارکان نظام معاش اسلامی که باید در ابتدا اصلاح و سازمان‌دهی شود نظام مالی و ارزش‌گذاری ملزومات معیشت است که در قرآن در قالب هدای قسط، کیل و مکیال ارائه شده است و با تحقق آن، نظام غیر قرآنی بانکداری و نهاد بورس منحل خواهد شد البته سرمایه و منافع سرمایه‌داران و نخبگان اقتصاد کشور به طور مؤکد حفظ و حراست و در نظام مالی جدید در جهت تحقق شهرهای نوین اسلامی از آن‌ها استفاده خواهد شد.

همچنین، می‌توان از بستر اقتصاد مقاومتی در جهت تحقق سبک زندگی و ساختار شهرهای نوین اسلامی نهایت بهره را گرفت.

حرکت کل کشور به سمت تحقق سبک زندگی نوین اسلامی در قالب شهرهای مدرن اسلامی قدرتمندترین موتور محرک اقتصاد کشور خواهد بود.

سرمایه‌داران در نظام مالی قرآنی جدید نه تنها تضعیف نشده بلکه تقویت می‌شوند و منابع آن‌ها در جهت احداث شهرهای نوین اسلامی استفاده می‌شود

دانش و فناوری رکن مهم تحقق تحول بزرگ معیشتی در جوامع اسلامی است. تمامی دانش موردنیاز این تحول باید بدون محدودیت و وابستگی در اختیار کشور باشد.



مهم‌ترین نکته‌ای که در خصوص کیفیت تجارت خارجی کشور به نظر می‌رسد این است که فعالیت اقتصادی بین‌المللی کشور باید دارای ارزش افزوده حقیقی بوده و مانع از تراج مواد اولیه لازم برای آبادانی کشور باشد که در قالب وجوه ذیل قابل مדיقه است:

- صادرات علم و صنایع پایه
- انتفاع در عرصه تجارت جهانی از طریق ارزش بالای واحد پول ملی به وسیله سرمایه‌گذاری و استفاده از منابع دیگر کشورها توسط نخبگان اقتصادی
- رونق صنعت گردشگری و توریسم
- کسب درآمد از طریق انجام خدمات اجرایی و تجارت الکترونیک
- صادرات تولیدات تجدید پذیر طبیعی اعم از محصولات گیاهی و حیوانی
- صادر نمودن محصولات فرهنگی و رسانه‌ای

قرض در نظام مالی نوین قرآنی (کیل) ابزار ایجاد عدالت در خصوص تخصیص سرمایه به مدیران اقتصادی مستعد است که فاقد سرمایه لازم هستند.

میزان تجارت خارجی کشور بر اساس حضور سرمایه‌گذاران داخلی بر اساس میزان پشتوانه پول ملی در حوزه تجارت خارجی تعیین می‌گردد.

نظام مالی قرآنی در قبال تجارت داخلی و خارجی دو وظیفه دارد:

- وظیفه نظام مالی در قبال تجارت داخلی، ایفای نقش به‌عنوان موتور محرک عمران و آبادانی کشور است. در کشور، استعداد و منابع به‌وفور موجود است و آنچه محرک ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌شود نظام مالی قرآنی صحیح است.
- وظیفه نظام مالی در قبال تجارت خارجی عبارت است از زمینه‌سازی برای حضور قدرتمند سرمایه‌های کشور در تجارت جهانی از طریق بالا بردن ارزش پول ملی، عدم اتلاف منابع و مواد اولیه داخلی و تجارت صحیح مبتنی بر کسب ارزش افزوده واقعی از طریق: صادرات علم و دانش صنایع پایه، توسعه گردشگری و توریسم، خدمات اجرایی و تجارت الکترونیک، سرمایه‌گذاری در خارج از کشور،



صادرات محصولات تجدید پذیر طبیعی اعم از محصولات گیاهی و حیوانی و نیز محصولات فرهنگی
رسانه‌ای

منطق محاسبه مثبت بودن تراز تجاری کشور مبتنی بر تفاوت صادرات و واردات آن هم بر اساس دلار، بن‌مایه ساده‌لوحانه‌ای دارد. این بسیار مهم است که ما چه چیزی وارد و چه چیزی صادر می‌کنیم.

هدف نظام مالی در بخش داخلی، ایجاد عمران و آبادانی مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی است و پشتوانه پول ملی در بخش داخلی، منابع و ظرفیت‌های کشور است. نقایص و کاستی‌ها با قرض به فعالان اقتصادی و انفاق به عموم جامعه در خصوص دستیابی به سطح عمومی رفاه، مرتفع می‌شوند و نقدینگی مازاد در صورت لزوم تعدیل می‌گردد. همچنین التزام پویایی اقتصاد جامعه و عدم استفاده از منابع پولی در اختیار مردم از طریق قوانین بازدارنده و محدودیت‌های متناسب محقق می‌گردد و تمام این‌ها تنها مقدمه‌ای هستند برای تحقق سبک زندگی تمدن نوین اسلامی که در قالب معاش و شیوه دادوستد معیشت کارسازی خواهند شد انشاء الله.



شاخصه‌های کلی نظام مالی و ارزش‌گذاری نوین قرآنی:

- تفکیک بخش تجارت داخلی از تجارت خارجی در خصوص پشتوانه پول
 - تثبیت ارزش و قیمت ملزومات و حذف نوسان بر اساس وجوه مشترک ملزومات (ق س ط: قوام، ساعت، طبیعت)
 - توانمندتر شدن سرمایه‌نخبگان اقتصادی کشور
 - پیشتازی در انفاق به نیازمندان و قرض به فعالان اقتصادی و ایفای نقش به‌عنوان موتور محرک آبادانی کشور
 - ایجاد باارزش‌ترین واحد پولی دنیا از طریق ارزش پایین طلا نسبت به دیگر ملزومات در نظام ارزش‌گذاری قسط پایه و متعاقب آن افزایش قدرت تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها
 - ایجاد منسجم‌ترین نظام تبادل مالی بر اساس ساختار متمرکز حکومتی تمام الکترونیک و متحد
 - تنظیم برنامه صحیح تجارت جهانی کشور از طریق:
- صادرات علم و صنایع پایه، انتفاع در عرصه تجارت جهانی از طریق ارزش بالای واحد پول ملی به‌وسیله سرمایه‌گذاری و استفاده از منابع دیگر کشورها توسط نخبگان اقتصادی، رونق صنعت گردشگری و توریسم، کسب درآمد از طریق انجام خدمات اجرایی و تجارت الکترونیک، صادرات تولیدات تجدیدپذیر طبیعی اعم از محصولات گیاهی و حیوانی و نیز صادر کردن محصولات فرهنگی و رسانه‌ای